

حضرت امام پس از اشکال بر مرحوم شیخ محمد رضا اصفهانی به تعریف خود اشاره می کنند:

«فالأولى تعريف الغناء بأنه صوت الإنسان الذي له رقة و حسن ذاتي و لو في الجملة، و له شأنية إيجاد الطرب بتناسبه لمتعارف الناس.

فخرج بقيد الرقة و الحسن صوت الأبيح الردى الصوت. و إنما قلنا له شأنية الإطراب، لعدم اعتبار الفعلية بلا شبهة، فإن حصول الطرب تدريجي قد لا يحصل بشعر و شعيرين فتلك الماهية و لو بتكرار أفرادها لها شأنية الإطراب.

و هذا بوجه نظير ما ورد في المسكر بأن ما كان كثيره مسكرا فقليله حرام، فإن الحكم تعلق بالطبيعة التي من شأنها الإسكار و لا ينافي عدم مسكرية قليلها.

و ماهية الغناء كذلك، فلا ينافي عدم مطربية بعض مصاديقه فعلا.

و قيد التناسب لأجل أن الصوت الرقيق الرخيم إن لم يكن فيه التناسب الموسيقي لا يكون مطربا و لا غناء، بل لا يتصف بالحسن حقيقة. فالمدّ الطويل لا يكون غناء و لا مطربا و لو كان في كمال الرقة و الرخامة، و لو قيل إنه حسن يراد به رفته و رخامته و صفاؤه الذاتي.

و التقييد بشأنية الطرب لمعرفة التناسب الخاصّ أي التناسب الذي من واحد من الألحان الموسيقية، فهو في الحقيقة من باب زيادة الحدّ على المحدود.»<sup>۱</sup>

#### توضیح:

۱. غنا عبارت است از صوت انسان که برای آن صوت نرمی و حُسن ذاتی است (ولو اینکه این حسن فی

الجملة باشد [یعنی ولو اینکه بالاترین مرتبه حسن را دارا نباشد].

و برای آن صوت شأنیت ایجاد طرب برای متعارف مردم هست در حالیکه ایجاد طرب ناشی از تناسب داخلی اجزاء صوت است.

۲. این تعریف قیوداتی دارد که هرکدام چیزهایی را از تحت تعریف خارج می کند.

۳. قید «رقت و حُسن»، صوت خشن و بد را خارج می کند.

۴. قید «شأنیت»، اعتبار فعلیت را نفی می کند چراکه مسلماً لازم نیست یک صوت، بالفعل مطرب باشد تا

۱. خمینی، سید روح الله موسوی، المکاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۳۰۵.





غنا شود. چراکه طرب به صورت تدریجی حاصل می‌شود و لذا ممکن است تکرار یک صوت باعث فعلیت طرب شود.

۵. این سخن همانند سخنی است که درباره مسکرات گفته می‌شود.
۶. قید «تناسب»، آن صداهای خوش که دارای تناسب موسیقایی نیست را خارج می‌کند.
۷. چراکه صداهای خوش اگر دارای تناسب داخلی نباشد، نه مطرب است و نه غنا می‌باشد و نه حتی متصف به صوت حسن می‌شود و اگر هم به آن صداهای خوب می‌گویند [مجاز است] و مرادشان آن است که دارای صفات ذاتی است.
۸. قید «شأنیت طرب»، برای این است که معلوم کند که کدام صوت متناسب (که تناسب باعث موسیقی شدن می‌شود) غنا می‌باشد و به واسطه این قید صوت‌های متناسب غیر مطرب از تحت غنا خارج می‌شود.
۹. پس در این تعریف «زیادت تعریف بر معرف» وجود دارد چراکه با وجود قید «شأنیت طرب»، لازم نبود «تناسب» را در تعریف بیاوریم چراکه آنچه متناسب نیست طرب ناک هم نیست.
۱۰. [زیادت حدّ بر محدود در اصطلاح فلاسفه دو معنا دارد یکی آنجایی که وجود یک قید در تعریف، وجود قید دیگر را غیر لازم نماید. مثل ما نحن فیه که قید «طرب»، ما را از «تناسب» بی‌نیاز می‌سازد چراکه طبق نظر امام صوت غیر متناسب نمی‌تواند مطرب باشد و هر مطربی، متناسب است. (مثلاً اگر در تعریف انسان بگوییم جسم حیوان ناطق جسم زیادی است) و دوم آن جایی است که وجود یک قید در تعریف لازم است و باید باشد، ولی در ماهیت آن شیء مدخلیت ندارد مثلاً می‌گویند «قوس قطعه‌ای از دایره است» در این جا، دایره در ماهیت قوس مدخلیت ندارد ولی بدون آن نمی‌شود تعریف را ارائه کرد.]



ما می گوئیم:

اولین نکته مهم در فرمایش امام این است که ایشان مدعی هستند «هیچ صوتی بدون تناسب، طرب انگیز نیست» و لذا تنها صوت غنایی است که طرب انگیز است و به همین جهت می گویند: قید «مطرب» می توانست برای تعریف کافی باشد و از آوردن «تناسب» کفایت می کند.

و دومین نکته مهم آن است که ایشان «شأنیت طرب برای متعارف مردم» را به این معنی می دانند که یک صوت ممکن است، یک دقیقه اش باعث طرب نشود ولی استمرار آن باعث طرب شود.

به عبارت دیگر: از دیدگاه امام غنا صوتی است که استمرار آن برای متعارف مردم باعث طرب فعلی می شود اگرچه استمرار آن ممکن است برای یک نفر، باعث طرب فعلی نشود. پس اینکه می گوئیم «شأنیت» از باب این است که ممکن است یک دقیقه یک صوت باعث طرب فعلی نشود ولی غنا آن صوتی است که در صورت استمرار، متعارف مردم را به صورت بالفعل، به طرب می کشاند.

پس اولاً: طرب فعلی برای یک شخص خاص ملاک نیست. ثانیاً: طرب فعلی برای عامه مردم ملاک نیست ولی باید به گونه ای باشد که در صورت استمرار برای متعارف مردم به صورت بالفعل مطرب باشد.

جمع بندی فرمایش امام:

۱. غنا صوت است و نه کیفیت صوت.
۲. صدای حاصل از آلات موسیقی، غنا نیست.
۳. طرب در تعریف غنا دخیل است.
۴. اگر چیزی شأنیت طرب برای معمول مردم را داشته باشد، غنا می باشد، ولو اینکه به سبب کوتاهی زمان، برای متعارف مردم هم باعث طرب نشود.
۵. صدای بد حتی اگر طرب انگیز باشد، غنا نیست [الا اینکه بگوئیم امام، قید «له رقة و حسن ذاتی» را هم زیادت حد بر محدود می دانند و می گویند «طرب» جز با رقت و حسن ذاتی حاصل نمی شود].

